

آیا ورثه می تواند ضامن شود؟
بله می تواند

که محجور نیست - حق تصرف در اموال خود را ندارد

ماده: طلبکاران بعد از حکم ورثه گئی، داخل غزای نمی شوند

(از حصه غزای سهم نمی برند)

فعلای می نشینند داخل امان انظار

تاریخِ ظلم در شعلانی

تاریخِ توقف

قبل از توقف

دوره سکوت

بعد از ظلم

معاذات
امرلاً صحیح
۲ دستہ باطل ہے
صوتی
مشرقِ بنانی
اسود قابلِ نسخ

معاملات در مکتوب
— امراً صحیح

۳ دسته باطل —
هر پرداخت دین باطل
هر نوع معاملات چاقی یا صلح طایبانی
مالی ما به ضرر طلبکاران معید سازد
مثلاً ردین بگذارد

ضمان نقلی - نقل ذمہ ہے انتقال دین رخ می دهد.

عقد ضمان ←

/ ضمان صمی (ضم ذمہ) ← انتقال دین رخ نمی دهد.

عقد ضمان مهمزه - اصل بر تقاضای بودن

۴.۳ تاذین تجارت
تقاضای

۴.۲ رثیمه ای دملی

۱- باید در عقد ضمان شرط شده باشد

ملیکار اول بد سراج مضمون عنه نداد پس سراج ضمان

ضامن مصفون عنه

مصفون له

اصل براین است اگر ضمان ضم ذمه باشد،

طلبکاری تواند بقیه ضامن و مصفون عنه را همزمان بگیرد (تضامنی)

امای تواند در عقد ضمان شرط کند اول به سراغ مصفون عنه، اگر نداد

بیا سراغ ضامن (رتبه ای طولی)

طریقہ عقد صحت

مصفرن لہ

ضامن

صفینہ علیہ

۱۔ احادیث صفیون عنہ ، یازنیست

از آدم مرده می شود ضمانت کرد

آیا در شلته می تواند مصفون له واقع شود ؟ بله می شود

اگر صحنه نقلی بود هم توسط مدیر تصفیه

اگر صحنه هم زبر بود هم خود در شلته می تواند .

حجت صرفاً نافع

در عقد ضمان

که

موجود باشد

دین - یا
(بدی)

حداکثر بیک آن موجود باشد

تعهدات غیر مالی یعنی شود مرصوع عقد ضمان باشد

ملکات - ضمانت

عقدصمان ← عقد مبتنی بر مسامحه

مفتون له

مفتون عنه

میزان دین

→ کافی است .

جهل نیست - در عالم واقع مشخص است - طریقی بایستی از آن ها

الان علم تنصیلی ندارد

در عقد ضمان

دین باید معین باشد

ضمانت از دین مرد در باطل

بدین باب خرید و سرائل

بدین باب شکن شکسته و گن

تعلیق در عقد ضمان

عقد معلق به اثر امان معلق به بی امر خارجی
تعلیق در منشأ

عقد معلق اصولاً صحیح آجا باطل به ضمان نقلی معلق باطل
عقد نکاح

اگر مدبرین اصلی نداد من ضامن هستم۔

عقد ضمان معلق ہے باطل
(نقلی)

من ضامن رضا هستم اگر نداد من پر دافت کانہم۔

↓
پردافت معلق شدہ ہے صحیح است۔

اگر عقد ضمان ضمن ذمه حلق باشد صحیح است.

تعلیق به شرائع و صحیح عقد

اگر صحیح است در حقیقت عقد حلق نیست.

من ضامن رضا شدم اگر دائماً مدیون باشد

عند ضمان نقلی مطلق — باطل

التزام به تأدیہ مطلق — صحیح

عند ضمان صمزمه مطلق — صحیح

نقلی به سرائیو صحت — صحیح

کدام یک از موارد تعلیق زیر، مبطل عقد است؟

ضمان نسی به معلق باطل

- (۱) در صورتی که مدیون پرداخت نکند، من ضامن هستم.
- (۲) در صورتی که دینی بر عهده مدیون ثابت باشد، من ضامن هستم.
- (۳) در صورتی که مدیون تاکنون ادای دین نکرده باشد، من ضامن هستم.
- (۴) در صورت عدم ایفای دین از سوی مدیون، من ملتزم به تأدیه خواهم بود.

التزام به تأدیه معلق

تعلیق به شرایط صحیح

تعلیق بر شرایط عقد

در نکاح به اگر خانم شوهر دار نباشد

باطل
خانم شوهر دار است - نکاح خدی
در حقیقت عقد علی نیست

خانم شوهر دار نیست - نکاح عدید

صحیح

شُرط عند ضمان ہے دین

اگر واقعاً مدیون باشد
اگر تا بہ حال پرداخت نکرده باشد

تعلق بہ شرائط عند ہے در حقیقت عند تعلق نیست۔

شرایط رجوع ضامن به صفحون عنه

سر خوردن

① ضمانت به اذن یا درخواست صفحون عنه باشد

+ اگر ضمانت منم ذمه بکامله صحت الیحد

② تحمل غرامت (پرداخت یا در حکم آن در تاتر، طالب مانع الذمه)

البلاء نه

③ تبیی نباشد اصل ب عدم تبیع

در ۱ با هم بود به ضامن می تواند بعه صفحون عنه را بپذیرد به میزان تحمل غرامت

هم با هم

اگر صفحت له، ضامن را ابراء کرد

ندارد
ضامن تحمل غرامت نگردد ← حقایق به صفحت عنه

اگر صفحت له، دین را به ضامن هبه کنند

در حکم بیباعت (مالک مانی الزهر) → (بخش طلب به مدبرین)

ضامن حق رجوع به صفحت عنه را دارد

ماده ۷.۹ قانون مدنی $\Rightarrow$ ضامن تحمل غرابت نگردد

① اگر بضمین عنه، ملتزم نشد، در مدت معینی، بپایان ذمه ضامن

یا تحمل کنند
+
② مدت مذقعه شود
این کار را نکرد

{ ضامن می تواند به بضمین عنه مراجعه کنند

اذن یا درخواست مضمون عنه ہے حسین العبد ضحان

مضمون عنه
ضامن
مضمون له

ضامن پرداخت کنند سے دین خودی بہ مضمون له را پرداخت می کند

اذن در زمان پرداخت امراً اثری ندارد۔ چون مضمون عنه

در ضمان مضموم اثر دارد چون دین مستوفی است
مضمون عنه است
بیع مکره

اذن در زبان پرداخت اصولاً اثری ندارد

چون به معنی کفایت عقد ضمان

انتقال دین رخ داده

ضامن دین خودش را پرداخت کرده

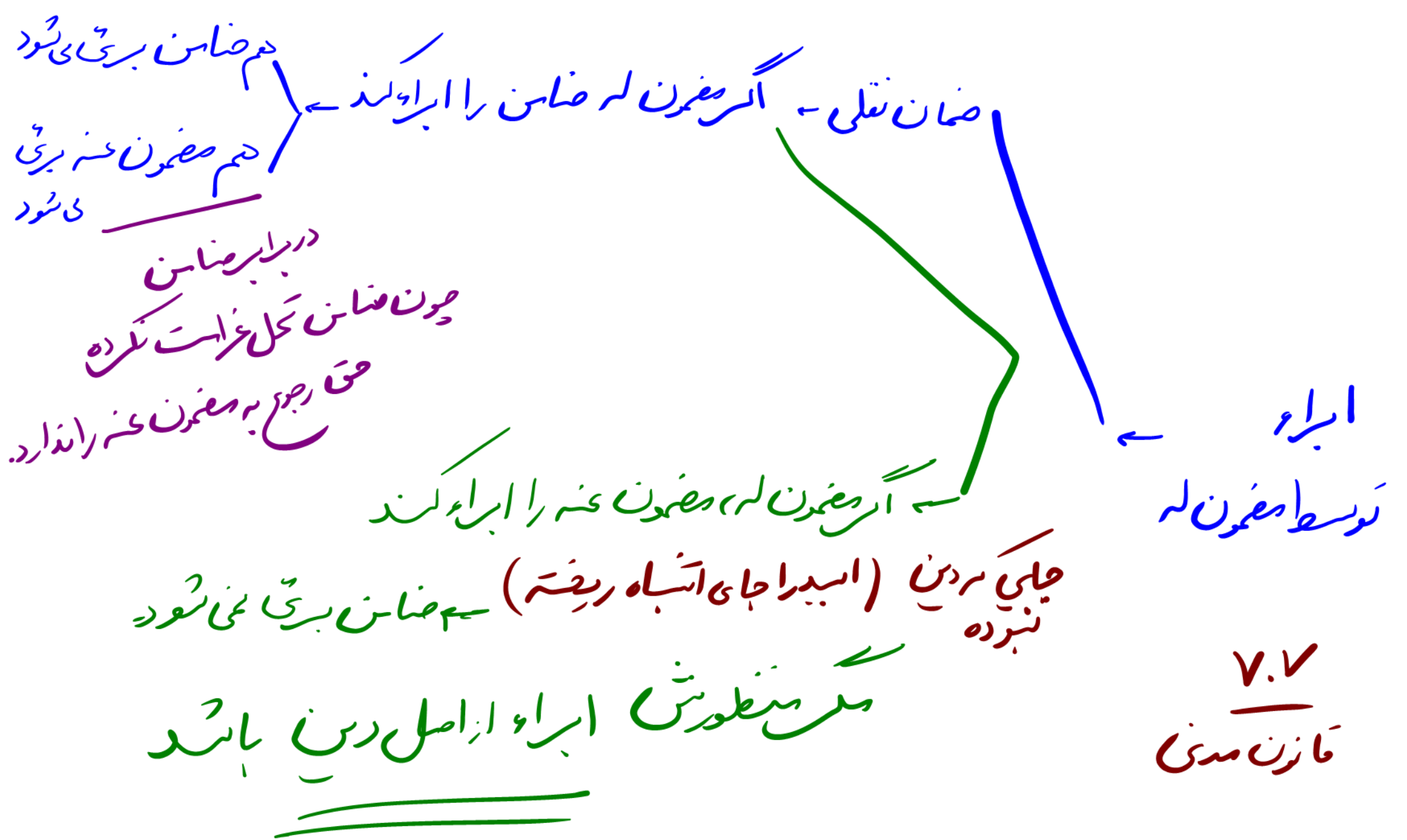
مضمون عنه در زبان پرداخت هیچ کاره

در ضمان ضم دهنده

اذن در زبان پرداخت اثر ندارد

هنوز دین گردن مضمون عنه

(انتقال دین رخ نداده)



در صحن ضم زمر

اگر صفون له، ضامن را ابراء کنند

مقتضای ضامن بر عی شود

صفون عنه لیه ضامن بدکار

انگار ضامن را جدا کرده

ابناء توسط
صفون له

اگر صفون له، صفون عنه را ابراء کنند به دین از بین می رود

هم صفون عنه بر عی شود

هم ضامن بر عی شود.

حارث بنہ

کنہ



مضمون عن دین راہ مضمون لہ پرداخت می کنند

ضامن ثانیاً پرداخت می کند



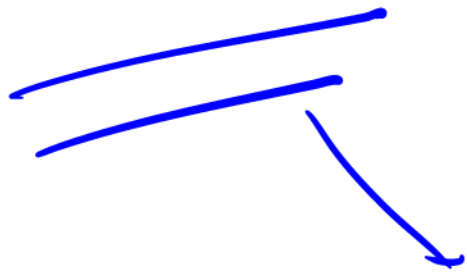
پرداخت درم: افعای ناروا

بدگیرنده ضمانی

ضامن باید بر د پولس را از مضمون لہ بگیرد

اگر ضامن نتواند پولش را از مضمون له وصول کنند.

ضامن می تواند از باب تسبیب به مضمون عنه رجوع کند



چون مضمون عنه تکفیر کرده

خود سرینی کرده / له قهر نداده
دینی له گردن ضامن بوده بدقت نظر

دُنبه

دُنبه

ضامن پرداخت می‌کند.

با وجه دست‌راوی (اذن، تکمیل غرض، عدم تنجی)
(حق رجوع به مضمون عنه را ندارد)

مضمون عنه ثانیا پرداخت می‌کند

پرداخت دوم به ایقان شار را

مضمون عنه باید بقیه مضمون له را بپردازد

اگر مضمون عنه نتوانست وصول کند

حق رجوع به ضامن را ندارد

حال

عقد ضمان

کوائف ضامن و مضمون لہ

مذمل ← اجراء بقدرات مریض یا علی ازان ما

بہ آئندہ مضمض مرکب شدہ

عقد ضمان - حال - اگر مطلق نفاذ بودند اصل بر این است
که ضمان حال است. مثلاً این بگوید عقد ضمان
مُذْطَل است. مثلاً ربن اصلی مُذْطَل باشد.

مُذْطَل - به فوت ضمان حال می شود.

به طور کلی هر جا مدیون فوت کند، ربون مُذْطَل حال می شود.

